

حمزه، مظهر رشادت و جهاد

<?xml encoding="UTF-8?">



محبوب پیامبر

بدون شک حضرت حمزه، از محبوب ترین شخصیت هایی است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بیشترین محبت و علاقه را به آنان ابراز داشت و پیوسته فضیلت های آنان را برای همگان اعلام کرد. ابوالفرج اصفهانی در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آورده که آن حضرت فرمود: «بهترین مردم، حمزه و جعفر و علی (علیه السلام) هستند». همچنین جابر بن عبدالله انصاری می گوید: یکی از یاران ما صاحب فرزندی شد. پس خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسید واز ایشان پرسید چه نامی بر او بگذارد؟ حضرت (صلی الله علیه و آله) در پاسخ فرمود: «محبوب ترین نام ها را نزد من برای او انتخاب کن؛ نامش را حمزه بگذار».

ویژگی های حمزه

نام حمزه که به معنای شیر ژیان است، به حق آینه تمام نمای خصلت ها و منش های والای شخصیت حضرت حمزه می باشد. او قامتی افراشته، قدی رسا، اعضایی در حد اعلای تناسب و اندامی چهارشانه داشت. ابن سعد درباره او می نویسد: «او مردی میان قامت بود؛ نه بسیار بلند قد و نه کوتاه». حمزه در میان جوانان قریش در دلاوری و ارجمندی بی نظیر و در راست قامتی، آزادمنشی و ظلم ستیزی سرآمد همگان بود. حمزه در عین زیبایی اندام در درون سینه اش قلبی تپنده از شهادت و سلحشوری داشت.

حمایت های دیرینه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

حضرت حمزه پیش از آنکه به دین اسلام بگراید، همواره پشتیبان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بود. او در برابر مخالفان و بدخواهان اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) قاطعانه می ایستاد و مانع اذیت و آزارهای آنان می شد. نقل شده است ابولهب برادر حمزه، یکی از دشمنان سرسخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به شمار می رفت که لحظه ای در اظهار دشمنی با اسلام و پیامبر فروگذار نمی کرد و پیوسته به آزار و اذیت رسول خدا می پرداخت تا جایی که خداوند سوره ای در نکوهش او و همسرش «ام جمیل» نازل فرمود. ابولهب در همسایگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می زیست و پیوسته زبانه ها و اشیای گندیده را کنار خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) می ریخت و باین رفتار زشت، آن حضرت را می آزد. روزی حمزه او را در آن حال دید. پس به طرفش رفت و زبانه ها را از دستش گرفت و بر سر خود او ریخت و با این عمل، هم بستگی خویش را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشان داد.

پیامد اسلام آوردن حمزه

اسلام آوردن حمزه، پیروزی درخشانی برای مسلمانان به بار آورد و آنان را از مرحله انزوا و مخفی کاری به سطح بالاتری ارتقا بخشید. از آن پس، مسلمانان با هم اجتماع می کردند و نماز جماعت می خواندند. هم زمان با اسلام حمزه، تغییرات فراوانی در روابط میان مسلمانان و دشمنانشان به وجود آمد و لحن برخورد سران قریش و وابستگان آنان با مسلمانان و در رأس ایشان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تغییر یافت. از آن پس، هتاکی و شکنجه، جای خود را به پند و اندرز و نیز تطمیع و تهدید داد.

اشعار حمزه پس از اسلام آوردن

پس از آنکه اسلام در اعماق وجود حمزه جا گرفت و در حضور همگان به یکتایی خدا و پیامبری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) شهادت داد، اشعاری سرود که نشان دهنده ژرفای تأثیر دین حیات بخش اسلام در جان و روان اوست. مضامین اشعار وی چنین است: «سپاس خدای را که قلب مرا به اسلام و یکتاپرستی رهنمون ساخت؛ آیینی که از سوی پروردگار متعال و آگاه به بندگان و مهربان آمده است. هرگاه سخنانش بر ما تلاوت می شود، اشک های هر خردمندی سرازیر می گردد. فرمانروای همه ما احمد مصطفی است، مبادا با سخنان درشت او را بیازارید. به خدا سوگند هرگز او را به آن گروه کافر نخواهیم سپرد، مگر آنکه با شمشیرها ایشان را درو کنیم».

دلاوری های حمزه در بدر

از زمانی که حمزه به دین اسلام گروید، پیوسته کمر به یاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بست و لحظه ای در فداکاری و جانبازی به آن حضرت فروگذاری نکرد. تاریخ نگاران درباره حضور حضرت حمزه در جنگ بدر چنین می نویسند: «حمزه در جنگ بدر حضور داشت و در این معرکه، نقشی بسیار ارزنده و فراموش نشدنی از خود ایفا کرد».

حمزه از معدود کسانی بود که در نبردها بر خود نشان می نهاد. او پر شترمرغی بر سینه خود قرار می داد. پایان جنگ بدر که به پیروزی سپاه اسلام ختم شد، عبدالرحمن بن عوف به امیه بن خلف برخورد کرد و از او پرسید: این مرد که پر شترمرغی را بر سینه خود نشان کرده است کیست؟ امیه گفت: «او حمزه بن عبدالمطلب است که دمار از روزگار ما برآورد».

وعده بهشت

هنگامی که در جنگ بدر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و حمزه و عبیده بن حارث به جنگ سه تن از سران بزرگ قریش، یعنی عتبه، شیبیه، و ولید رفتند و هر سه تن را به هلاکت رساندند، خداوند متعال آیات 23 و 24 سوره حج را در شأن امیرمؤمنان، حمزه و عبیده بن حارث نازل فرمود: «آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، البته خدا آنان را در بهشت هایی داخل گرداند که زیر درختانش نهرها جاری است و در آنجا طلا و مروارید بر دست زیور بندند و تن به جامه ابریشم بیارایند».

شیر ژیان در میدان احد

حضرت حمزه در میدان نبرد از دلیری و شجاعت کم نظیری بهره مند بود. یکی از میدان های جنگ که صحنه های رشادت های حمزه را در دل خود ثبت کرد، میدان احد است. ابن سعد در کتاب خود می نویسد: «حمزه بن عبدالمطلب در احد با دو شمشیر پیش روی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می جنگید و همواره می گفت: من شیر خدا هستم و به دل دشمن می تاخت».

رزم حمزه با دو شمشیر، از ویژگی های او به شمار می رود و جز او دیگری را سراغ نداریم که با دو شمشیر نبرد کرده باشد. وحشی، قاتل حمزه درباره مبارزه بی نظیر او در میدان احد می گوید: «به خدا سوگند من حمزه را زیر نظر داشتم، در حالی که با شمشیر مردم را می شکافت و بر هیچ جنگاوری نمی گذشت مگر اینکه او را می کشت که از آن جمله یکی از بزرگان کفار، سباع بن عبدالعزی بود».

شیر خدا و رسول

یکی از شاخص ترین لقب های حضرت حمزه، «اسدالله و اسد رسوله» به معنای شیر خدا و شیر رسول خداست که نه تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بلکه امامان معصوم (علیهم السلام) در مناسبت های مختلف از حضرت حمزه با این لقب یاد می کردند. این لقب نشان گر روحیه سلحشوری و رشادت حمزه در میدان نبرد است که تاریخ نگاران می نویسند او همواره تا اعمال صفوف دشمن نفوذ می کرد و هیچ کس از دم تیغ آتش بارش سالم نمی گذشت.

خود حمزه نیز هر جا لازم می دید خود را معرفی کند، از خود با این لقب نام می برد و با آن بر خود افتخار می کرد. روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خطاب به خواهر حمزه، صفیه چنین فرمود: «مژده باد شما را، اکنون جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که در هفت آسمان نوشته شده است: حمزه پسر عبدالمطلب شیر خدا و شیر رسول خداست».

شادی دشمن در شهادت حمزه

به شهادت رسیدن حضرت حمزه، اوج شادمانی و خرسندی دشمنان اسلام بود. علت این بود که حمزه همیشه دمار از روزگار دشمنان برمی آورد و آنان را به خاک ذلت می نشاندد. از این رو، کینه او تا اعماق جان مشرکان، به ویژه همسر ابوسفیان، هند جگرخوار نفوذ کرده بود.

پس از آنکه هند بدن حمزه را مُثله کرد، بر فراز سنگ بلندی رفت و با صدای بلند اشعاری در بیان احساس خوشحالی خویش خواند. آن گاه لباس ها و زیورآلات خود را به قاتل حمزه، وحشی بخشید و به او گفت: «هرگاه به مکه برگشتم، به نزد من بیا تا هدایای دیگری به تو ببخشم».

در جست و جوی پیکر شهید

پس از آنکه آتش جنگ احد فرونشست و دو طرف به جایگاه خود برگشتند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به یاران خود فرمودند: عمومیم چه شده؟ بر سر او چه آمده است؟ حارث بن صمّه را مأمور کرد تا خبری از او بیاورد. حارث وقتی جنازه مثله شده حمزه را میان کشته ها یافت، نتوانست برگردد و گزارش دهد. از آن جا که بازگشت او به طول انجامید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) امیرمؤمنان را برای آگاهی از احوال حمزه رهسپار کرد. آن حضرت هم چون دید نمی تواند احوال حمزه را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان کند برگشت و به ناچار خود پیامبر را به قتلگاه حمزه برد.

پیامبر در کنار پیکر حمزه

رسول گرامی خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی پیکر پاره پاره عمویش حمزه را دید؛ حال مبارکش به شدت منقلب شد و چون ابر بهاری از دیدگانش اشک بارید، آن گاه فرمود: «بزرگ تر از این مصیبت نخواهم دید و هرگز جایی بر من به سختی اینجا نگذشته است. خدا تو را رحمت کند که همواره در کارهای خیر کوشا بودی و به صله رحم علاقه داشتی... ای عموی رسول خدا، ای شیر خدا و رسول، ای نیکوکار، ای حمزه و ای مدافع و پشتیبان رسول خدا».

نماز بر جنازه حمزه

پس از جنگ احد، حمزه نخستین شهیدی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر او نماز گزارد. سپس دیگر شهیدان را نزد آن حضرت می آوردند. هرگاه شهیدی را نزد ایشان می بردند، او را کنار حمزه قرار می دادند و آن حضرت همزمان بر بدن حمزه و دیگر شهیدان نماز می خواند تا اینکه هفتاد بار بر بدن حمزه نماز گزارد، آن گاه فرمود: «ملائکه را دیدم که بدن حمزه را شست و شو می دهند».

تاریخ نگاران می نویسند: هنگامی که پیکر حمزه را در قبر نهادند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امر کرد پارچه ای روی جسد حمزه کشیده شود. پارچه ای آوردند، اما هرگاه بر سر او می کشیدند، پاهایش نمایان می شد و اگر پاهایش را با آن می پوشانند، سرش نمایان بود. پس پیامبر دستور داد سرش را با پارچه و پاهایش را با اسپند بپوشانند.

همگان در سوگ حمزه

کسانی که در یک واقعه و نبرد به شهادت می رسند، هر چند همه آنها برای یک هدف و آرمان قربانی شده اند، تفاوت هایی میانشان دیده می شود که برخی را بر دیگران امتیاز می بخشد. یک فرمانده ارشد که زندگی اش سراسر حماسه و فداکاری بوده و توانسته مهلک ترین ضربه ها را بر توان رزمی دشمن وارد سازد، با افراد دیگر در یک راه نیست و فقدان او جانگدازتر و غمبارتر است و باید در نقطه اوج سوگواری ها قرار گیرد. از این رو، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) پس از شهادت حمزه، توجه همگان را به ضرورت اشک ریزی و عزاداری در سوگ حمزه جلب نمود. نقل شده است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از جنگ احد از خانه های انصار

می گذشت که صدای گریه زنان در سوگ شهیدانشان بلند بود. قطرات اشک از دیدگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) سرازیر شد و فرمود: «بر همه کشته ها می گریند، جز حمزه که گریه کننده ای ندارد». انصار که این جمله را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدند، به زنان خود سفارش کردند در خانه پیامبر جمع شوند و برای حمزه به عزاداری بپردازند. هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) سوگواری زنان مدینه را برای حمزه دید در حق ایشان دعا کرد و فرمود: «خوب با من همراهی و همدردی کردید».

لقب سیدالشهداء

دلوری ها و فداکاری های بی نظیر حمزه در راه اسلام چنان بود که پس از شهادت آن بزرگوار، پیامبر (صلی الله علیه و آله) لقب سیدالشهداء، سرآمد شهیدان را بر او نهاد. مسلمانان هم از آن پس با این لقب از حضرت حمزه یاد می کردند. شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: «با اینکه امام حسین (علیه السلام) سیدالشهداء است، چرا به حضرت حمزه سیدالشهداء می گویند؟» امام در پاسخ فرمود: «حمزه سیدالشهدای تمام مردم، غیر از معصومین است، ولی امام حسین (علیه السلام) سیدالشهدای تمام عالم است».

زیارت مرقد حمزه

زیارت مرقد شهیدان همواره یاد آنها را زنده می کند و روحیه از خود گذشتگی و جهاد را در بین انسان ها تعالی می بخشد. از این رو، پیشوایان دینی ما همواره مسلمانان را به زیارت شهیدان و بزرگان تشویق می کردند. پس از جنگ احد که جمع زیادی از مسلمانان، از جمله حضرت حمزه به شهادت رسیدند، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نه تنها خود شخصا همه ساله برای زیارت شهدا به عزم احد از مدینه خارج می شد و در برابر مرقد مطهر آنان، به ویژه عموی گرامیش می ایستاد و سلام می داد، بلکه همواره مسلمانان را به این امر سفارش می کرد، از آن جمله می فرمود: «کسی که مرا زیارت کند، ولی (مرقد) عمویم حمزه را زیارت نکند، به من جفا و بی مهری کرده است». همچنین در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده که حضرت زهرا علیهاالسلام بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هفته ای دو بار به کنار قبور شهدای احد می رفت و در آنجا دعا و نماز می خواند. نیز ایشان از خاک قبر حضرت حمزه تسبیحی درست کرده بود و با آن ذکر می گفت.